

## اسب در فرهنگ ایرانی

زینت صالح پور\*

«اسب از ریشه «اس» به معنی دونده و تیزتک است، زیرا اسب، تیزتک‌ترین جانور اهلی است. ریشه واژه «سواری» هم در واژه اسب است و در اصل اسب باری بود که بر اثر تحولات زبان‌شناختی به مرور زمان به صورت سواری درآمد.» (اوشیدری، بی‌تا)

اسب که آن را نمادی از نجابت و زیبایی ذکر نموده‌اند، یکی از پرنقش‌ترین حیوانات اهلی در دنیای اساطیر ایران باستان به شمار می‌آید.

ایرانیان باستان همان‌گونه که برای خویش و خانواده خود از اهورامزدا نیکی طلب می‌کردند برای اسب خود نیز نیرومندی می‌خواستند. در «اوستا» از اسب به عنوان یکی از برگزیده‌ترین حیوانات نام برده شده و حتی برای معالجه و خوب نگاهداری از آن نیز دستوراتی آمده است و این نشانه‌ای از پاک‌ی، اصالت و اهمیتی است که در فرهنگ ایرانی برای این حیوان قائل بودند. اهمیت اسب در دنیای اساطیر ایران تا به آن اندازه است که هر ایزد دارای گردونه‌های زرین و اسب‌های تیزتک بود. همچنین در «یشت‌ها» نیز به قربانی کردن اسب این‌گونه اشاره شده است:

«از برای ناهید، هوشنگ پیشدادی، در بالای کوه هرا (البرز) صد اسب، و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند فدا کرد و از او درخواست که در همه کشورها بزرگترین پادشاه گردد.» (هنر و مردم، ۱۳۴۲: ۳۹)

حضور اسب در فرهنگ و تاریخ کهن ایران در جلوه‌های گوناگونی متجلی است، آن‌گونه که در بیشتر کتیبه‌ها، سنگ‌نشته‌ها و الواح سیمین و زرین دوره هخامنشی نیز گواه اهمیت و توجه خاص به این حیوان زیبای اساطیری است و در کتیبه‌های گلی دوره داریوش نیز نام اسب‌های عالی کشور ایران ذکر شده است.

اسب همچنین در فرهنگ اسلامی مقام و جایگاه ویژه‌ای دارد، چندان که خداوند در قرآن کریم به این حیوان اهلی سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: «سوگند به اسب‌هایی که در تاختن نفسشان به شماره می‌افتد و سوگند به اسب‌هایی که هنگام شتاب از برخورد سم‌هایشان با

\* نویسنده و پژوهشگر

سنگ‌ها آتش می‌افروزند<sup>(۱)</sup>».

اسب که آن را نمادی از نجابت و زیبایی ذکر  
نموده‌اند، یکی از پرنقش‌ترین حیوانات اهلی در  
دنیای اساطیر ایران باستان به شمار می‌آید

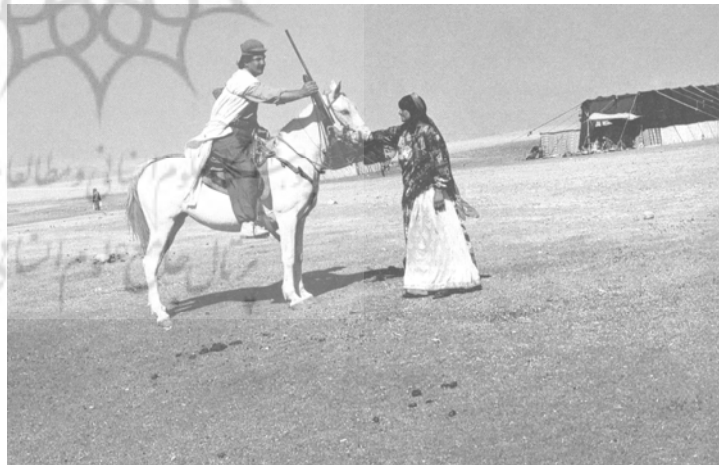
این توجه و اهمیت به اسب، به دامنه موسیقایی اقوام مختلف ایرانی نیز نفوذ کرده است و از آنجا که اسب و سوارکاری در زندگی و فرهنگ مردمان نواحی مختلف ایران اهمیت و کارکرد ویژه داشته و این حیوان همواره در جنگ‌ها و سور و سوگ‌ها بهترین همراه و همدم مردمان بوده است، بخشی از مقام‌های مهم در موسیقی برخی از اقوام ایرانی به جلوه‌های حضور و نقش زیبا شناسانه اسب اختصاص یافته است.

آنچه در این مقاله مختصر می‌آید نگاهی است گذرا به حضور زیبا و پراهمیت اسب در آواها و ترانه‌های اقوام مختلف ایران:

#### ترکمن صحرا:

ای که بر اسبی تیزپا سواری  
و زیبارویی را در کنار داری  
آیا خواهی توانست آنها را با خود  
به دنیای جاودان ببری؟<sup>(۲)</sup>

اسب در پهنه ادبیات و فرهنگ قوم ترکمن از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار است و در زندگی مردمان این سرزمین نقش مهمی ایفا می‌کند. مردمان ترکمن به اسب عشق و علاقه وافری دارند. آنان برای این حیوان زیبا و کارآمد، پوشش‌های مخصوصی همراه با زیورآلات که گاه نیز به آب طلا مزین شده است، تهیه می‌کنند این خود نشان از عشق و اهمیت و توجه خاص مردمان سرزمین ترکمن به اسب است. اسب برای مردم



۱- سوره عادیات، آیات ۱ و ۲.

۲- ترجمه قسمتی از شعر مختومقلی فراغی، شاعر ترکمن (۱۱۱۳-۱۱۶۳ ه.ش)



ترکمن به منزله همسفر و همدم به شمار می‌رود، آنان می‌گویند: آت آدمینگ قانانی دیر (اسب یال و پر انسان است).

در فرهنگ موسیقایی قوم ترکمن نیز توجه و اهمیت به اسب به زیبایی تمام نمود یافته و جلوه‌گر است. برخی از ریتم‌های موسیقی به خصوص در دو تار کاملاً با حرکات یورتمه و یا چهار نعل اسب مطابقت دارند و یا مقام‌هایی مانند مقام «آت چاپان» (آت به معنی اسب + چاپان از نعل چایماق به معنی تاخت کننده) که درباره اسب و چابک‌سوار سخن می‌گوید. در این مقام موسیقایی صدای

سم اسب بر اثر برخورد با پنجه نوازنده بر روی کاسه دو تار به وضوح شنیده می‌شود و ناله‌های حزن‌انگیز کمانچه یا «قیچان» و حرکات آرشه صدای وزش باد را در دشت‌های پهناور ترکمن برای شنونده تداعی می‌کند. (نکته جالب توجه اینکه در گذشته، آرشه کمانچه ترکمنی را از موی یال و یا دم اسب می‌ساختند و این نیز یکی از طرق بهره‌مندی از این حیوان کارآمد است.) از دیگر مقام‌ها و آهنگهای قوم ترکمن که به اسب اشاره دارد می‌توان به مقام «مایاگوزل» (مایا، نام دختر و گوزل به معنی زیبا) اشاره کرد که در آن احساسات سوارکار و حرکات اسب به گونه‌ای کاملاً تصویری بیان شده است.

مرد ترکمن از تداوم صدای موزون و متنوع سم اسبان بهره می‌برد و از این طریق عنصر ریتم را در فرهنگ خود می‌آموزد. گویی مرد ترکمن با تاختن توسط اسب ریتم زندگی و ریتم موسیقی خویش را به عرصه ظهور می‌گذارد.

### لرستان:

اسب و سوارکاری در بین عشایر لرستان جایگاه ویژه‌ای دارد و مردمان این سرزمین - چه به هنگام رزم و چه به گاه بزم و چه در سور و سوگ - اسب را به یاری می‌گیرند.

آثار مکشوفه در مناطق مختلف لرستان،<sup>(۱)</sup> گواه بر این است که این سرزمین از دیرباز محل مناسبی برای پرورش اسب بوده و مردمان ساکن در این منطقه سوارانی ماهر و چابک بودند که همواره به کار پرورش اسب مبادرت می‌ورزیدند. چنانکه در گذشته اسب‌های مورد نیاز ارتش‌های بابل، آشور و سایر کشورهای آسیای غربی و حتی فینیقیه نیز از این سرزمین تأمین می‌شد.

۱- در بین اشیاء مکشوفه مجسمه اسب سوار، دهنه و تزئینات مربوط به ساز و برگ اسب به وفور به چشم می‌خورد.

در حال حاضر نیز در جنوب شهر خرم‌آباد منطقه‌ای به نام «اسبستان» وجود دارد که در گویش لری به «اسبسو» (esbeso) معروف است. این نام در اوستا به گونه «اسپوستان» (aspostana) و به معنای «اسبستان، جای اسب» است که در زبان سانسکریت به صورت «استوستان» (asvasthan) ذکر شده است. (نشریه لرستان شناسی، شماره اول: ۱۰۷)

با توجه به قدمت و اهمیت اسب و توانایی سوارکار در لرستان، مقاماتی چند در بخش موسیقی‌سازی این سرزمین به این امر اختصاص یافته است که عبارتند از:

مقام جنگه را (jangra) یا سواربازی یا سوارهُو: این مقام یکی از کهن‌ترین مقام‌های حماسی در موسیقی لری است که همراه با نوای سرنا و دهل اجرا می‌شود.

در گذشته این مقام موسیقایی در هنگام جنگ برای ایجاد روحیه و ترغیب و تشویق جنگاوران نواخته می‌شد و سپاهیان جنگاور با نوای مقام «جنگه را» درهم آمیخته و نبرد اوج می‌گرفت.

anârân maškanito ky imā anâr harim  
soz kiyâravne zin konyto imānis aros barym

اناران مشکینتوکی ایمانار حریم  
سوزکیاونه زین کینتو ایمانیش عروس بریم

(انارها را مشکنید ما کی انارخور هستیم؟ اسب سبزه کبود رنگ را زین کنید، ما می‌خواهیم عروس را با خود ببریم.)

در لرستان، در مراسم عروسی هنگامی که عروس را به خانه داماد می‌آورند، مقام «جنگه‌را» نواخته می‌شود و در این بین سواران با انجام حرکاتی خاص که در گویش محلی به «قیقاج بازی» معروف است، شادی و هیجان خاصی به مراسم می‌بخشند.<sup>(۱)</sup> حرکات سوار و اسب آن برابر واکنش به نوای تهیج‌کننده سرنا برای هر تماشاگری جذاب و دیدنی است. این مقام بیشتر حالت‌های چهارگاه را تداعی می‌کند.

در این هنگام مادر عروس مقداری تقلات محلی که شامل کشمش، گندم بوداده و گردو می‌باشد را به جای شیرینی به سواران، «قیقاج باز» می‌دهد. در ادامه این مراسم عده‌ای از اسب‌سواران در فضای باز جمع شده و به دنبال مرغ، خروس، گوسفند و بز یا در مقابل سنگ و نشانه‌ای به تیراندازی می‌پردازند. در گذشته‌های پیش‌تر، مقام «جنگه‌را» پس از مقام «شاره‌را»<sup>(۱)</sup> نواخته می‌شد.

آنگونه که ذکر شد مقام «جنگه‌را» به مقام «سوارهُو» نیز



۱- شاید به همین علت نیز نام دیگر این مقام «سوارانه» می‌باشد.

معروف است. علت این نامگذاری آن است که این مقام هنگام بازگشت و فراخواندن سواران از میان صحنه نبرد و جمع‌آوری سپاه به دستور بزرگان قوم پس از پایان یافتن جنگ و نبرد میان سپاهیان نواخته می‌شد. در اصطلاح محلی به آن «هو کردن سواران» نیز می‌گویند.

مقام پاکتلی (pâkotaly):

asbekaš yâl beeryt nuvâsowâreš  
tak sowâre loreso de ny dyâres

اسب کش یال بوریت نواسووارش  
تک سوار لرسودنی دیارش

(یال اسبش را بُبرید، مبادا کسی بر آن سوار شود. چراکه تک‌سوار لرستان دیگر پیدایش نیست).

در لرستان هنگام مرگ بزرگان اسب متوفی را سپاه‌پوش کرده گردنش را با پارچه سبزرنگی که به آن «یال‌پوش» می‌گویند، می‌پوشانند و هنگام حرکت «کتل» (اسب سیاه‌پوش متوفی) از منزلگاه به سوی غسلخانه مقام «پاکتلی» نواخته می‌شود. درباره وجه تسمیه این مقام نیز می‌توان اذعان داشت از آن جایی که این مقام موسیقایی در پای «کتل» نواخته می‌شود به این نام آمده است.

### خراسان:

در خراسان اسب مورد توجه خاص مردمان این سرزمین پهناور می‌باشد. در شمال منطقه و تا حدودی سبزوار نمایشی موسیقایی به نام «نمایش اسب چوبی» اجرا می‌شود. این نمایش ریشه‌های قوی حماسی و اسطوره‌ای در خود نهفته دارد و موسیقی جزو لاینفک آن به شمار می‌رود.

در نمایش موسیقایی اسب چوبی، رقصنده یا چوب باز در حالی که شمشیری به دست دارد در داخل اسب چوبی قرار می‌گیرد و با نوای سرنا و دهل نوازندگان محلی به حرکات نمایشی خاصی می‌پردازد. در این نمایش موسیقایی، اسب چوبی با پارچه‌های رنگارنگ تزئین و پوشیده شده است و رقصندگان یا چوب‌بازان، گرداگرد اسب چوبی با او به چوب‌بازی می‌پردازند.

نمایش اسب چوبی معمولاً در مراسم عروسی، به ویژه در روز به‌حمام‌رفتن عروس و داماد اجرا می‌شود و نحوه اجرای آن بدین صورت است که عروس سوار بر اسب در یک سو و داماد نیز سوار بر اسبی دیگر در مقابل هم قرار می‌گیرند و سیبی را به سوی یکدیگر

۱- می‌توان کلمه «شاره» را به معنی شعر دانست و مجموع ترکیب «شاه‌راه» را به مفهوم راه شهر تعبیر کرد، زیرا در گذشته به هنگام نبرد با غارت شهرها با

نواختن این مقام حمله به شهرها آغاز می‌شد. (سیف‌زاده، سید محمد، پیشینه تاریخی موسیقی لرستان: ۱۵۸)

پرتاب می‌کنند. سیب به هر سو که برود، اسب چوبی و رقصندگان نیز به آن سمت حرکت می‌کنند. در این نمایش معمولاً اسب سفید نماینده خانواده عروس و اسب قرمز نماینده خانواده داماد است. در نمایش نمادین و طنزگونه نزاعی میان دو خانواده عروس و داماد درمی‌گیرد که در نهایت سواران در داخل اسب با یکدیگر به نبرد می‌پردازند.

### کردستان:

مراسم اسب‌دوانی در سرتاسر روستاها و دشتهای استان کردستان با آیین و مراسم خاص در اعیاد و آیین‌های ملی انجام می‌شود. این مراسم با نوای سواران که از ریتم تندی برخوردار است همراهی می‌شود. در مراسم عروسی، هنگامی که عروس را با اسب به خانه داماد می‌برند، نوای سواران با ریتمی آرام و ملایم اجرا می‌شود.

در کردستان همچنین مقام سوار - سوار نیز اجرا می‌شود که نحوه اجرای آن بدین صورت است: با آغاز فصل پاییز کردی در مناطق عشایری «گوران» و «قلخانی» و در کوهپایه‌های «دالاهو» مردمان پرتلاش این مناطق جشن خرمن و برداشت محصول برپا می‌کنند. این جشن در واقع بزرگترین جشن تقویم زندگی عشایری مردمان کردستان است که برای خیر و برکت محصول برگزار می‌شود. جشن خرمن، در جوار قدمگاهی رو به دشت برگزار می‌شود. در روزهای برگزاری این جشن که در ماه مهر برگزار می‌شود، بر فراز صخره‌ای، پرچم‌هایی به رنگ سبز، سفید و سیاه افراشته می‌شود که راهنمای زائران به قدمگاه است. در این هنگام نوای ساز و دهل در تمام دشت می‌پیچد. زنان دیگ‌های غذای نذری را روی اجاق می‌گذارند و جوانان به داوری پیران و ریش‌سفیدان به خط می‌ایستند و به اسب‌دوانی می‌پردازند. به همراه تاخت اسبان، نوازندگان محلی مقام سوار - سوار را می‌نوازند.

### بختیاری:

حضور اسب در فرهنگ عشایر بختیاری به عنوان عنصری مفید و یاریگر به هنگام سور و سوگ نمود عینی بسیاری دارد و به واسطه همین حضور و اهمیت است که اسب هم در موسیقی سازی و هم در موسیقی آوازی بختیاری جلوه‌های زیباشناختی و مستمر دارد. در انواع آوازاها و ترانه‌های بختیاری به کرات از اسب یاد شده، آن‌گونه که در نغمه‌های عروسی یا «دوالالی» (dovâlâli) آمده است:

حضور اسب در فرهنگ عشایر بختیاری به عنوان  
عنصری مفید و یاریگر به هنگام سور و سوگ نمود  
عینی بسیاری دارد و به واسطه همین حضور و اهمیت  
است که اسب هم در موسیقی سازی و هم در موسیقی  
آوازی بختیاری جلوه‌های زیباشناختی و مستمر دارد

asbe bore āfeloni bist-o-čâr myxixorah  
sovâr vâbid āqâ domâd či šahin der ixorah

اسب بور آفلونی بیست و چار میخ ایخوره  
سوار وایید آقا دوماد چی شاهین در ایخوره

(اسب زردرنگ فلانی برای نعل کردن بیست و چهار میخ می خورد، آقا داماد بر آن سوار شده و همچون شاهین می چرخد).  
اسب در سوگچامه‌های بختیاری نمود بیشتری دارد. بسیاری از ابیات سوگواری به اسب متوفی اشاره‌ای مستقیم دارند. برای مثال:

iy dadom si xâterom bego ze dangom  
yeki ze asbom bego yki ze tofangom

ای ددوم سی خاطر م بگو ز دنگم  
یکی ز اسبم بگو یکی ز تفنگم

(ای خواهرم، به خاطر من، یکی از ویژگی‌های اسبم بگو یکی از ویژگی‌های تفنگم).

در بخش آیین‌های سوگواری ایل بختیاری نیز اسب حضوری چشمگیر دارد. در آیین «کُتل» (kotal) اسب شخص متوفی را سیاه‌پوش کرده و تفنگ و فشنگ و حمایل او را به اسب آذین می‌بندند. در این هنگام یکی از مردان ایل افسار اسب را در دست گرفته و با نوای «ساز چپی»<sup>(۱)</sup> آرام حرکت می‌کند و سوگواران نیز با خواندن مرثیه یا در اصطلاح گری «گاگریو» (gâgeryv) او را همراهی می‌کنند. در بختیاری گاه به هنگام سوگ، یال اسب متوفی را به نشانه عزا می‌برند.<sup>(۲)</sup>

در بخش موسیقی‌سازی بختیاری، مقام «سواربازی» از جمله مقامات حماسی است که توسط «توشمال»<sup>(۳)</sup> ها نواخته می‌شود و اسبها با نوای ساز و دهل بر سرعت گامهای خود می‌افزایند و واکنش‌های ریتمیک زیبا و مناسبی را از خود نشان می‌دهند.

در بختیاری گاه «سواربازی» جنبه تفریح و سرگرمی نیز به خود می‌گیرد و مردان ایل، در مراسم شادایانه‌ها به ویژه عروسی‌ها، به این امر می‌پردازند. در گذشته‌های نه چندان دور در بختیاری، سوارکاری همراه با نیزه‌بازی صورت می‌پذیرفت و سوارکار به همراه اسبهای تنومند خویش در حالی که هر یک نیزه‌ای در دست داشتند به نیزه‌بازی می‌پرداختند.

مردان ایل تعدادی تخته خیس شده را به یک اندازه در صفوف حرکت سوارکاران قرار می‌دهند به طوری که هر سوار بتواند با نیزه به آن تخته‌ها ضربه بزند و چنانچه بیشترین نیزه را به همراه خود ببرد، به عنوان بهترین سوارکار ایل معرفی خواهد شد.

قبل از اجرای مراسم سواربازی با نیزه، ابتدا هر یک از سواران به حرکات نمایشی انفرادی پرداخته و از این طریق هنر سوارکاری خویش را به نمایش می‌گذارد، سپس «توشمال» ها با ساز و دهل مقام «سواربازی» را می‌نوازند و اسبها نیز با شنیدن صدای شادی‌بخش ساز و دهل، همراه با رقص پاهایی ریتمیک که بسیار دیدنی و جذاب است، به وجد می‌آیند.

۱- نوای سوگواری که در دستگاه چپ نواخته می‌شود.

۲- در شاهنامه حکیم فردوسی نیز به این اسم اشاره شده است:

پشوتن همی رفت پیش سپاه

بریده فش و دم اسب سپاه

که اشاره است به بریدن دم و فش اسب قیرگون اسفندیار در سوگ وی.

۳- توشمال tošmâl: نوازندگان محلی بختیاری

## گیلان:

در غرب گیلان در منطقه تالش مراسم اسب‌دوانی همراه با دف یا «دب» نوازی برگزار می‌شود. در این مراسم اسب‌ها با ریتم دف به شدت تهییج شده و حرکات بسیار دیدنی و جالب توجهی از خود نشان می‌دهند.

## سواحل خلیج فارس و دریای عمان:

در جزیره قشم نمایش‌های موسیقایی چند، که همگی ریشه کهن ایرانی دارند، به اجرا درمی‌آید. در اینگونه نمایش، بازیگران با استفاده از لباس‌هایی با ماسک حیوانات به ویژه اسب با همراهی سازهای رایج در حوزه جنوب ایران و به کارگیری متناسب از ریتم موسیقی حرکاتی را به صورت گروهی ارائه می‌دهند و از این طریق مفاهیمی را به تماشاگران القا می‌کنند.

در یکی از این نمایش‌های موسیقایی که با همراهی سازهای نی‌جفتی، دهل، کسر و پیپه اجرا می‌شود، یک نفر ماسکی شبیه سر اسب می‌پوشد و چند نفر دیگر به همراه او خم شده و شمایل یک اسب را می‌سازند و از خود حرکاتی طنزآمیز به نمایش می‌گذارند.

نمایش دیگری که در جزیره قشم در خصوص حضور اسب در فرهنگ موسیقایی این منطقه به اجرا درمی‌آید، نمایش «پیرمچکی» (pir-močeki) است که معمولاً با همراهی اسب اجرا می‌شود. در این نمایش یک نفر نقش «پیر» را ایفا می‌کند.

در نمایش «پیرمچکی» که با وجود حروف «پ» و «چ» در نامش ریشه‌ای ایرانی دارد، نیز از سازهای منطقه استفاده می‌شود.

## سخن پایانی

بررسی دقیق حضور و کارکرد زیباشناختی «اسب» در فرهنگ و موسیقی اقوام مختلف ایرانی، مجالی بیشتر و پژوهشی عمیق‌تر می‌طلبد که امید است این امر روزی تحقق پذیرد!

## منابع:

- سیف‌زاده، سید محمد، پیشینه تاریخی موسیقی لرستان. نشر افلاک، ۱۳۷۷
- پوره، کاظم، موسیقی و ترانه‌های بختیاری، انتشارات آنزان، سال ۱۳۸۱
- درویشی، محمدرضا، از میان سروده‌ها و سکوت، مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور، تهران، ۱۳۸۰
- محرر، ایرج، «ناجاهای لرستان»، نشریه لرستان‌شناسی شقایق، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶
- برخوردار، ایرج، موسیقی مناطق ایران، اداره کل تحقیق و توسعه صدا، ۱۳۸۰
- رستمی، فریبرز، «اشکال موسیقی بومی جزیره قشم»، ماهنامه قشم، سال هشتم، شماره پنجم، بهمن ۱۳۸۱
- مجله هنر و مردم، شماره بیستم، دوره جدید، خرداد ۱۳۴۲
- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا. (بی تا)